

حوادث سال هفتم هجرت

## کانون خطر یا دژ آهنین خیبر

از روزی که ستاره فروزان اسلام در سرزمین « مدینه » درخشیدن گرفت ، ملت یهود بیش از قریش عداوت پیامبر اسلام و مسلمانان را بدل گرفتند ، و با تمام دسائس و قوا برای کوبیدن آن قیام کردند .

یهودانی که در خود مدینه و اطراف نزدیک آن ، سکونت داشتند به سر نوشت شومی که نتیجه مستقیم اعمال و حرکات ناشایسته خود آنها بود ، دچار شده ، عده ای از آنها اعدام و دو قبیله دیگر بنام « بنی قین قاع » و « بنی النضیر » از سر زمین مدینه رانده شده و در « خیبر » و « وادی القری » سکونت گزیدند .

جلگه وسیع و حاصلخیزی را که در شمال مدینه بفاصله سی دوفرسنگی آن قرار داشت ، و دژهای هفتگانه محکمی که برای سکونت عده ای از یهودان ساخته شده بود ، « وادی خیبر » می نامند آب و خاک این منطقه برای کشاورزی آمادگی کاملی داشت ، وساکنان آنجا در امور زراعت و جمع ثروت و تهیه سلاح و طرز دفاع ، مهارت کاملی داشتند ، و آمار جمعیت آنها بالغ بر بیست هزار بود ، و در میان آنها مردان جنگاور و دلیر فراوان بچشم میخورد (۱)

جرم بزرگی که یهودان خیبر داشتند این بود که تمام قبائل عرب را برای کوبیدن حکومت اسلام تشویق کردند ، و سپاه شرك با کمک مالی یهودان خیبر ، در یکروز از نقاط مختلف عربستان حرکت کرده و خود را تا دیوار مدینه رسانیدند ، و بالنتیجه جنگ احزاب که شرح آن را در شماره های گذشته خواندید ، پیش آمد ، و این ارتش در پرتو تدابیر پیامبر و جانفشانی یاران او ، پس از یکماه توقف در پشت خندق ، متفرق شدند و مهاجمین به وطن خود از آن جمله یهودان خیبر ، باز گشتند و مرکز اسلام صورت آرامش بخود دید .

(۱) سیره حلبی ص ۳۶ - یعقوبی در تاریخ خود ج ۲ ص ۴۶ مینویسد ۲ هزار مرد جنگجو در آنجا زندگی میکرد .

این عمل ناجوانمردانه یهود خیبر که قبلاً مورد احترام مسلمانان بودند ، پیامبر را بر آن داشت که این کانون خطر را برچیند ، وهمه آنها را خلع سلاح کند زیرا هیچ بعید نبود این ملت لجوج و ماجراجو با صرف هزینه های سنگین با ردیگر ملت بت پرست عرب را بر ضد مسلمانان برانگیزاند ، و صحنه نبرد احزاب با ردیگر تکرار شود خصوصاً که تعصب مذهبی یهود بیش از علاقه مردم قریش به بت پرستی بود ، و در برابر هزار مشرک که اسلام می آورد ، یک یهودی حاضر نبود دست از کیش خود بردارد !!

عامل دیگری که پیامبر را مصمم ساخت قدرت خیبریان را درهم شکنند ، و همه آنها را خلع سلاح نموده و حرکات آنان را زیر نظر افسران خویش قرار دهد ، این بود که اوبا ملوک و سلاطین و رؤساء جهان مکاتبه نموده وهمه آنها را بالحن قاطع به اسلام دعوت کرده بود ، در این صورت هیچ بعید نبود که ملت یهود آلت دست کسری و قیصر قرار گیرند و با کمک این دو امپراتور برای گرفتن انتقام کمر به بندند و نهضت اسلامی و جنبشهای معنوی را در نطفه خفه سازند و یا این که خود امپراتوران را بر ضد اسلام بشورانند چنانکه مشرکان را علیه اسلام جوان شورا نیدند ، و ملت یهود در جنگهای ایران و روم با یکی از دو امپراتوران همکاری داشته . و بر ضد دیگری قیام مینمودند و روی این جریان پیامبر لازم دید ، که هر چه زودتر این آتش خطر را بطور ابد خاموش سازد . بهترین موقعیت برای تأمین این هدف همین موقع بود زیرا ، فکر پیامبر با بستن پیمان حدیبیه از ناحیه جنوب (قریش) آسوده و خاطر او آرام بود ، و میدانست که اگر دست به ترکیب تشکیلات یهود بزند ، دست قریش بعنوان کمک بسوی یهود دراز نخواهد شد و برای جلوگیری از کمک کردن سائر قبائل شمال مانند تیره های « غطفان » که عامل و همکار و دوست خیبریان در جنگ احزاب بودند ، نقشه ای داشت که بعداً گفته میشود .

روی این انگیزه ها پیامبر اکرم فرمان داد که مسلمانان برای تسخیر آخرین مراکز یهود در سرزمین عربستان آماده شوند و فقط کسانی میتوانند افتخار شرکت در این نبرد بدست آورند که در جنگ « حدیبیه » که از لحظات سرسخت و رقت انگیز اسلام بود ، حضور داشته اند ، و غیر آنان نمیتوانند بعنوان داوطلب شرکت کنند ، ولی از غنائم سهمی نخواهند داشت پیامبر اکرم « غایبه لیثی » را در مدینه نایب خود قرار داد ، و پرچم سفیدی بدست علی (ع) داد و فرمان حرکت صادر نمود و برای اینکه کاروان آنها زودتر به مقصد برسد اجازه داد که « عامر بن ابوع » ساربان آن حضرت ، موقع راندن شتران سرود ( حداء ) بخواند ، و او اشعار زیر را ترنم میکرد ( ۱ )

یعنی : بخدا سوگند اگر عنایات و الطاف خدا نبود ما گمراه بودیم نه صدقه میدادیم و نه نماز میخواندیم ، ما ملت هستیم که اگر قومی بر ما ستم کنند و یا فتنه ای بر ما نمایند ، ما زیر بار آنها نمیرویم ، خداوند پایداری را نصیب ما بفرما ، و پاهای ما را در این راه ثابت قدم گردان .

مضمون این سرودها ، انگیزه و فوجیات این نبرد را بصورت آشکار میزساند ، و میگوید : از آنجا که ملت یهود بر ما ستم نموده و آتش فتنه را در آستانه خانه ما روشن ساخته اند ما برای خاموش ساختن این کانون ، آتش رنج سفر را بر خود هموار ، نموده ایم .  
مضامین سرود ، آنچنان پیامبر را راضی و مسرور ساخت که آنحضرت در باره و عامر ،  
و فرمود ، اتفاقاً و عامر ، در این جنگ شربت شهادت نوشید .

### ارتش اسلام بسوی نقطه نامعلومی حرکت میکنند

پیامبر اسلام در حرکت دادن سر بازان خود به روش و استتار ، علاقه زیادی داشت ، او علاقمند بود که کسی از مقصد وی آگاه نشود تا دشمن را غافلگیر نموده و قبل از هر گونه تصمیم لازم محوطه آنها را محاصره نماید ، علاوه بر این متحدین دشمن هر کدام تصور کنند ، که مقصد پیامبر آنها است ، و برای احتیاط در خانه های خود بمانند ، و به یکدیگر نه پیوندند . شاید گروهی تصور کردند که منظور پیامبر از این راه پیمائی بسوی شمال ، سر کوبی قبائل غطفان و « فزاره » که همدستان یهود در جنگ احزاب بودند ، میباشد وقتی به بیابان ، رجیع رسید ، محور حرکت ستون را بسوی خیبر قرارداد ، و بدینوسیله ارتباط این دو متحد را از هم برید ، و از اینکه قبائل مزبور به یهودان خیبر کمک کنند ، جلوگیری نمود ، با اینکه محاصره خیبر قریب یکماه طول کشید - مع الوصف - قبائل مزبور نتوانستند متحدین خود را یاری نمایند (سیره ج ۳ ص ۳۳۰) (۱)

رهبر بزرگ اسلام با هزار و ششصد سرباز که دو بیست سوار نظام در میان آنها بود ، بسوی خیبر پیشروی کرد (امالی طوسی ص ۱۶۴) وقتی به سرزمین خیبر نزدیک شد ، دعای زیر را که حاکی از نیت پاک او است خواند : بار الها که خدای آسمانها و آنچه زیر آنها قرار گرفته ، و

وان ارادوا فتنه ایبنا

و ثبت الاقدام ان لاقینا

مرانا اذا قوم بغوا علینا

فا نزلن سکینه علینا

(۱) گاهی گفته میشود که با این استتار کامل رئیس منافقان عبدالله سلول یهودان خیبر را از

جریان آگاه ساخته بود ، و گفته بود که علاوه بر دفاع از بالای دژها ، در بیرون دژ نیز با سربازان اسلام بجنگ بپردازید .

خدای زمین و آنچه بر آن سنگینی افکنده و ... هسنى ، من از تو خوبى اين آبادى و خوبى اهل آن و آنچه در آن هست ميخواهم ، و از بديهى آن و بدى اهل و بدى آنچه در آن قرار گرفته ، بٲوپناه ميبرم » (۱)

اين دعا در حال تضرع ، آنهم در برابر هزار و شصت سر باز دلير كه هر کدام كانون سوزان عشق و شور بودند ، حاكيست كه او بمنظور كشور گشائي ، و توسعه طلبى و انتقام جوئى يابه اين سرزمين نگذاشته است ، او براى اين آمده است كه اين كانون خطر را كه هر لحظه ممكن است ، پا يگامى براى مشر كان بت پرست ، قرار بگيرد ، درهم بكويد ، تانهضتها و جنبشهاى اسلامى از اين ناحيه تهديد نشوند ، و شما خواننده گرامى خواهيدديد كه پيامبر پس از فتح دژها و خلع سلاح ، اراضى و مزارع آنها را بخرود آنها واگذار نمود . و به اخذ جزيه ، در برابر حفظ جان و مال آنها ، اكتفاء گرديد .

### نقاط حساس و راهها شبانه اشغال ميشود

دژهاى هفتگانه «خيمبر (۲)» هر کدام نام مخصوصى داشتند و نامهاى آنها بقرار زير بود :  
**ناعم ؛ قموص ، كتيبه ، غطاء ، شق . و طيح ؛ سلام** ، و برخى از اين دژها گاهى بيكى از سران آن دژ منسوب ميشد ، مثلاً ميگفتند ، دژ «مرحب» ... براى حفاظت و كنترول اخبار خارج دژ ، در كنار هر دژى ، برج مراقبت ساخته شده بود ، كه نگاهبانان برجها ، جريان خارج قلعه را به داخل گزارش دهند ، و طرز ساختمان برج و دژ طورى بود ، كه ساكنان آنها بر بيرون قلعه كاملاً مسلط بودند و با منجنيق و غيره ميتوانستند دشمن را سنگباران كنند ، درميان اين جمعيت بيست هزارى ده هزار مرد جنگى و زورمند بود فكر آنها از نظر آب و ذخائر غذايى كاملاً آسوده بوده ، و در انبارها ذخائر زيادى داشتند ، اين دژهاى آنچنان محكم و آهنين بودند كه سوراخ كردن آنها امكان نداشت ، و كسانى كه ميخواستند خود را به نزديكى دژ برسانند با پرتاب كردن سنگهاى بزرگ مجروح و يا كشته ميشدند ، و اين دژها سنگرهاى محكمى براى جنگاوران يهود بشمار ميرفت .

مسلمانان در برابر يكه چنين دشمن مجهز و نيرومند قرار گرفته بودند ، بايستى در تسخير اين دژها از هنر نمائى نظامى و تكتيكهاى جنگى حداكثر استفاده بنمايند ، نخستين كارى كه انجام گرفت اين بود كه تمام نقاط حساس و راهها و دروازهها شبانه بوسيله سربازان اسلام اشغال گرديد ، اينكار بقدرى مخفيا نه و در عين حال سريعانه انجام گرفت ، كه نگاهبانان برجها نيز از (بقيه در صفحه ۴۳)

(۱) اللهم رب السموات وما اظللن ورب الارضين وما اقللن... نسألك خير هذه القرية وخير

اهلها وخير ما فيها ، ونعوذ بك من شرها وشر اهلها وشر ما فيها (كامل ۲ ص ۱۴۷)

(۲) سيره حلبى ص ۳۸

## غریبها هم

# اینطور زندگی نمیکنند

(۲)

قسمت اول این مقاله در شماره ۸ چاپ شد و اینک قسمت دوم

آن بنظر خوانندگان محترم میرسد

ایران ما امروز دارای دانشمندان و استادانی برجسته است که دارای شخصیت های علمی جهانی میباشند .

چرا اگر سراسر اروپا را بگردیم ( بجز نام و کتب چند دانشمندی که در قرون گذشته، اسلام آنها را تربیت کرد ) نام و نشانی از آنها نیافتنه و هیچکدام از ترجمه کتبشان را پیدا نمیکنیم - در حالیکه ترجمه کلیه آثار نویسندگان و استادان معروف مصر و هند و ژاپن در کلیه کتابخانه ها موجود است آیا معرف این دانشمندان و آثارشان غیر از مطبوعات مملکتشان بودند؟ آیا مطبوعات وطنشان بهترین وسیله معرفی آنها بجها نیان نبوده ؟ و آیا کدام رکن اجتماع چون مطبوعات میتواند از یک دانشمند حمایت کند ؟!

من نمیدانم شمائی که تا باین حد از اروپا و کالاهای پوشالی و رنگارنگش پشتیبانی و حمایت میکند و سعی دارد خود را مطابق آنان بسازد و درست کنید و ملت هموطن خود را نیز با انتشار نوشته های بتان بدان سوق دهید هیچ میدانید که آنها در باره کشورتان چگونه فکر میکنند ، و به هموطنانتان که از ایران باروپا برای گردش و یا تحصیل آمده اند چه میگویند ؟

خیال میکنید هما نظور که شما مقدم خارجی را به صرف اینکه اروپائی یا آمریکائی است گرامی داشته و در جلو او به کرنش در میآئید در اینجا نیز با خواهران و برادرانتان اینچنین مقابله بمثل میکنند ؟ نه والله!! هیچ دانشجوی ایرانی مقیم اروپا نیست که از نیش طعن و کج ذهنی اروپائیها و رفتار سخت صاحبخانهها و فشارهای مقامات اداری و حتی (بعضی از دانشگاہیان ! ) در امان مانده باشد . در بسیاری از خیا بانها و کافهها و امکنة عمومی هر کجا که ما را ببینند فریاد میکشند « شتر چران » « موسیاه آمد! میگویند شتر چران خارجی کثیف اچمندان را ببند و به خانهات باز گرد ، در دانشگاهها ، خارجیان شرقی به صرف اینکه موسیاه و « شتر چران » هستیم با یدسه برابر دانشجویان داخلی پول ثبت نام بدهیم یعنی مثلاً اگر یک دانشجوی داخلی برای ثبت نام ۳۰۰ تومان میدهد ما باید مبلغ ۹۰۰ تومان پردازیم .

ما با پول خود زندگی میکنیم و از لحاظی با اقتصاد مملکتشان کمک میکنیم - اینگونه هم با ما رفتار میکنند .

این نقشی است که مطبوعات در معرفی و بوجود آوردن اینگونه مناظر و صحنهها ایفا میکنند - آنچه را که در اینجا با نسبت میدهند نتیجه درک از نوشتههای مطبوعات محلشان بوده و گردانندگان مطبوعاتشان هستند که ما را بدینگونه معرفی مینمایند - در ماه ، حداقل یکی دو مقاله در مجلات ، علیه شرقی بالخصوص ایرانی چه از طرف کلیسا و چه مقامات دیگر بچاپ میرسد و حتی اخیراً کتابی از طرف کلیسا بنام : خود را در ایران مزدوج کن - **Verheirate dich in persien** بر علیه جوانان ایرانی که در اروپا هستند منتشر شده و اینکه تا چه حد مقام ایرانی را پائین آورده و چه توهیناتی را که بما کرده بما ند چون ، آقایان اروپائی متمدن هستند ! طرفدار شرف و مقام انسانها میباشد اومؤسس اعلامیه حقوق بشرند و آزادند و بالاخره و از ما بهترند ، اند حق دارند که بملتی توهین کنند ! این است رسم تمدن اروپائی !!

بنده فقط منظورم این بود که لااقل شما بدانید این ملت های اروپائی که در تقلید از آنها از یکدیگر سبقت میجوئید و حاضرید برای مرسوم کردن یکی از آدابشان در ایران حتی هموطنان خود را فدا ساخته و به منجلا بدیختیها و گمراهیها بکشانید - آنقدر هم آشدها نسوزی نبوده و اینگونه عقاید و افکار را در باره ما دارند .

البته اشتباه نشود این نظریات آنها برای آن نیست که ما مثل آنها لباس نمی پوشیم بلکه در

**مرحله اول بخه - نظر مقلد بودن و بی ثباتی ما در نگه داری عادات و سنن ملی و بی -**

**توجهی با آثار و افتخاراتمان بوده و ما را بازیچه ای بی ارزش بپیش نمیدانند و الا** اگر ما ده هزار مرتبه خود را در تمدن آنها فرو برد ، مقرون سازیم و حتی کاسه هائی از آش داغ تر شویم ( همچنانکه هستیم ) باز هم بما میگویند « شتر چران موسیاه » اما اگر چون ملت های ژاپن - هندوستان - مصر - برزیل و ... برای آثار ملی و عقاید و سنن مقدسان ارزش قائل گشته و بر پایه های اخلاقی و عادات ملی خود استوار بمانیم سعی میکنند که ما را بهتر بشناسند و بیشتر خود را با نزدیک سازند ( همچنانکه در روزنامه و مجلات و بر نامه های تلویزیونی اینگونه بر نامه ها در خصوص این کشور مبینیم ) .

... شما را بخدا بیائید و ندانسته طبقه جوان مملکت ما را بنا بودی نکشاید و بجای آنکه تا باین حد صفحات مجلات خود را بدفاع از مظاهر غلط و منفی تمدن غرب و رواج آن در میان هم - وطنانتان تخصیص دهید بزننده کردن غرور ملی و تقویت اخلاقیات و روح شهامت و شجاعت و اعتماد بنفس در جوانان پردازید .

بجای آنکه از اینگونه طر حهای تا بفرجام تقدیم جامعه کرده و مردم را بیجان هم اندازید قبل از هر چیز سعی کنید آن عده از زنانی را که از ابتدائی ترین حقوق زندگیشان محرومند با سواد ساخته و شکم گرسنه شان را سیر کنید - آنگاه که یاد گرفتند کلمه های خارجی « فرم » و « بوی فرند »

«کارا کتر» و «درفر اندوم» که تکیه کلام شما در مجله تان هست چه معنائی میدهند به آراء گیری دعوتشان کنید!

وقتیکه بجای زاغ و کلبه های خاکی اطاق و منزل برایشان تهیه کرده ، و بجای مدفوع گاوی گوسفند برای سوخت زمستان نشان بخاری تهیه دیدید ( تا خبر نگاران تلویزیونیهای غربی که شما طرفدار تمدن نشان هستید از مناظر زندگی رقت بار این بیچارگان فیلمبرداری نکرده و در اینجا با نمایش آنها به حیثیت ما لطمه نزنند و ما را تحقیر نکنند ) آنگاه برای آنها در مجله تان بنویسید که قانون ازدواج موقت خلاف روح اعلامیه حقوق بشر است ! و باید حذف شود ! تا زنان از بردگی نجات یافته و آزاد شوند ! تا خودشان بتوانند توسعه و طرحهای اصلاحی شما را بخوانند و در باره آن فکر کرده و تصمیم بگیرند .

\* \* \*

ضمناً یاد آور میشود نویسنده بکلیه سؤالات خوانندگان گرامی در باره این مقاله پاسخ خواهد داد .

باین آدرس 6025 INNSBRUCK post . F . 23 Austria

(بقیه از صفحه ۴۰)

این کار آگاهی نیافتند ، صبحگاهان که کشاورزان از همه جا بی اطلاع خیبر بالوازم کشاورزی از قلمه ها بیرون آمدند ، چشمهای آنها به سر بازان دلیر و مجاهد اسلام افتاد که در پر تو قدرت ایمان و بازوان نیرومند و سلاحهای برنده ، تمام طرق و شوارع را بروی آنها بسته اند که اگر قدمی فراتر بگذارند ، فوراً دستگیر خواهند شد ، این منظره آنچنان آنها را خائف و مرعوب ساخت ، که بی اختیار پا به فرار گذاردند ، و همگی میگفتند که : **محمد باسر بازانش اینجاست و فوراً**

درهای دژها سخت بسته شد و شورای جنگی در داخل دژها تشکیل گردید  
وقتی چشم پیامبر به لوازم تخریبی مانند بیل و کلنگ افتاد ، آنرا بفال نیک گرفت و برای تقویت روحیه سر بازان اسلام فرمود : **الله اکبر خربت خیبر** انا اذانزلنا بساحة قوم فساء صباح المنذرين : ویران باد خیبر ، وقتی ما بر قومی فرود آئیم بد است روزگار بیم داده شدگان (۲)  
نتیجه شور این بود که زنان و کودکان را در یکی از دژها و ذخائر غذائی را در دژ دیگر جای دهند و دلیران و جنگاوران هر قلعه ، با سنگ و تیر از بالا دفاع کنند ، و قهرمانان در مواقع خاصی از دژ بیرون آیند ، و در بیرون دژ با دلیران اسلام بجنگند ، دلاوران یهود از نقشه تا آخر نبرد دست برداشته و توانستند یکماده در برابر ارتش نیرومند اسلام مقاومت کنند ، بطوریکه گاهی برای تسخیر یک دژ بیش از ده روز وقت صرف میشد و نتیجه ای بدست نمیآمد .

(۱) سیره حلبی ص ۳۹